

مینوی خرد

پژوهش بر پایه متن پازند

مریم حاتمی

زیر نظر دکتر سعید عریان

www.ketab.ir



عنوان قراردادی	:	مینوی خرد. فارسی - پهلوی
عنوان و نام پدیدآور	:	مینوی خرد: پژوهش بر پایه متن پازند / مریم حاتمی؛ زیر نظر سعید عریان.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات برسم، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۴۳۱ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۰۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	اندرز نامه های پهلوی
موضوع	:	Maxims, Pahlavi
موضوع	:	ادبیات پهلوی -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	:	Translations into Persian -- Pahlavi literature
موضوع	:	آفرینش (زردشتی)
موضوع	:	Creation (Zoroastrianism)
شناسه افزوده	:	حاتمی، مریم، ۱۳۶۱ -
رده بندی کنگره	:	PL۵۲۰
رده بندی دیویی	:	۲/۲۹۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۶۸۴۴۲
وضعیت رکورد	:	فیبا

عنوان: مینوی خرد (پژوهش بر پایه متن پازند)

پژوهشگر: مریم حاتمی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۳۸-۰۸-۵

صفحه آرای: مهدی عشقی (هوخست پارسی)

طراح جلد: راتانا ز دهنادی

نوبت چاپ: نخست

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

سال نشر: بهار ۱۴۰۰

ناشر: نشر برسم

بها: ۱۵۰/۰۰۰ تومان

لازم به یادآوری است همه مطالب مطرح شده در این کتاب از جانب مولف - مترجم می باشد و نشر برسم فقط متعهد به بدنه چاپ و نشر کتاب است و در مورد مندرجات کتاب هیچ مسئولیتی متوجه ناشر نیست و حقوق پدیدآورنده محفوظ است.

میدان رسالت، خیابان هنگام، خیابان شهید قزوینی، پلاک ۶۶

تلفن: ۰۹۱۹۳۳۹۰۳۳۴-۷۷۲۰۷۰۹۴

پیشگفتار

به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد
خرد و خردورزی مقوله‌ای است که در بیشتر ادیان و مکاتب به جایگاه رفیع آن اشاره شده و از اهمیت آن سخن رفته است. در آثار بزرگان ادب و حکمت و عرفان نیز پیوسته بر اهمیت آن تأکید شده است؛ چنانکه مولانای گوید:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای
مابقی خود استخوان و ریشه‌ای
باز تاب این نگرش را می‌توان در آثار نویسندگان و شعرای این کهن بوم به کرات یافت. در میان متون کهن بازمانده از دوره میانه زبان‌های ایرانی، که در آنها به روش‌های گوناگون به جایگاه خرد و ارزش و اعتبار آن در نزد آدمی و نقش آن در نظام آفرینش اشاره شده است، متن مینوی خرد جایگاه ویژه‌ای داشته و نمونه‌ای بی‌بدیل در ادبیات پهلوی و معارف مزدیسنا به شمار می‌آید.

در سراسر این متن شخصیتی نمادین به نام دانا در قالب یک مقدمه و ۶۲ پرسش به موضوعات گوناگونی پرداخته و پیوسته مینوی خرد را که همان خرد فطری است در تمام لحظات رو در رو و پاسخگوی خود می‌بیند. چنانکه در جایی از این متن به زیبایی هر چه تمام‌تر پرسشی را این گونه مطرح کرده که خرد بهتر است یا هنر؟ و پاسخ می‌شنود که: خردی را که با بهی همراه نباشد نباید خرد پنداشت و هنری را که خرد همراه آن نباشد نباید هنر دانست؛ و یاد در جایی دیگر سؤالی با این مضمون مطرح می‌شود که آیا دادار هر مزد چیزی را آفرید که اهریمن نتواند به آن آسیب رساند؟ و مینوی خرد در پاسخ می‌گوید که به انسان خردمند و خرسند کم‌تر می‌توان آسیب رساند.

در این متن و نیز متون دیگر پهلوی پیوسته از دو نوع خرد نام برده شده است. نخست آسن خرد یا

خرد فطری و دیگر گوشوسرود^۱ خرد یا خرد اکتسابی. تفاوت این دو نوع خرد در آن است که آسن خرد موهیتی فطری است که در نهاد انسان قرار داده شده است ولی گوشوسرود خرد، خردی است که انسان از راه کوشش به آن می‌رسد و آن را کسب می‌کند. آنچه آدمی را در زندگی به سر منزل مقصود می‌رساند و موجب به زیستی و تعالی روح و روان او می‌گردد خرد فطری همراه با خرد اکتسابی است. زندگی نیازمند آفرینندگی است و لازمه آفرینندگی خرد است. به امید آنکه پیوسته در بدست آوردن آن کوشا باشیم و این مهم را هرگز به دست فراموشی نسپاریم اما روی آوردن به این کار و ساختن بادشواری‌های گوناگون این پژوهش خود داستانی دیگر است.

علاقه به متون پهلوی و آگاهی از رموز و رازهای آن چه در نحو، چه در صرف و چه در ترجمه، نگاه به این متون و مفاهیم و مضامین نهفته در آن از دریچه وحدت و جودی و نه ثنویستی که گویی از آغاز عامدانه تصمیم به تکرار بی وقفه آن گرفته شده بود تا شاید از راه ایجاد تواتری بی پایه برای آن توجیه و مشروعیتی ساختگی دست و پا شود، جستجوی متنی جامع و فراگیر از اساسی‌ترین مفاهیم دینی، اسطوره‌ای، حماسی، هولوژیکی، جغرافیای اساطیری، تاریخ شفاهی قومی و غیره، دست یابی به متنی راه گشا و هدایت گر به مباحث، مفاهیم و متون دیگر عرفانی، کلامی در حوزه حکمت و الهیات به معنی اخص، همه و همه از جمله عواملی بود که از یک سو انگیزه سلوک در این راه را متحقق می‌کرد و از سوی دیگر بنابر قاعده منطقی رابطه معکوس^۲ گسترش مفهوم و محدودیت مصداق^۳، مرا به سوی متن مینوی خرد رهنمون می‌شد. به هر حال از آغاز پژوهش روی متن پازند مینوی خرد، برگردان آن به پهلوی و سپس فارسی، مقایسه و مطابقه آن با سه متن دیگر پهلوی، توضیحات و حاشیه‌های مربوطه راهی بس طولانی و دشوار طی شد و من شادمان از سپردن این راه با هزاران امید که راهی را برای پژوهشگران دیگر گشوده باشم.

باسپاس فراوان از :

استاد عزیزم آقای دکتر سعید عربان که با صبر بی‌مانندش طی مسیر را بر من هموار نمود و بانگرش ژرف خود، نوعی دیگر زیستن را به من آموخت. بی شک این پژوهش بی یاری او به انجام نمی‌رسید. پدر و مادر مهربانم که پیوسته مشوق من در راه یادگیری بوده‌اند. همسر عزیزم که همراهی همیشگی اش دشواری‌های راه را بر من آسان نمود. سرکار خانم دیناز دهنادی مدیریت محترم انتشارات برسم که برای چاپ این اثر زحمات بسیار زیادی کشیدند.

فهرست

۱.....	پازند
۴.....	پیشینه آوانویسی سنتی و پازند نویسی در ایران
۵.....	مبنوی خرد و نسخه های مختلف آن
۹.....	پیشینه تحقیق
۱۱.....	برگردان فارسی متن پازند
۱۳.....	دیباچه
۱۵.....	پرسش ۱
۲۰.....	پرسش ۲
۲۰.....	پرسش ۳
۲۰.....	پرسش ۴
۲۱.....	پرسش ۵
۲۱.....	پرسش ۶
۲۲.....	پرسش ۷
۲۳.....	پرسش ۸
۲۳.....	پرسش ۹
۲۳.....	پرسش ۱۰
۲۴.....	پرسش ۱۱

فهرست

۲۴	پرسش ۱۲
۲۵	پرسش ۱۳
۲۵	پرسش ۱۴
۲۶	پرسش ۱۵
۲۸	پرسش ۱۶
۲۸	پرسش ۱۷
۲۸	پرسش ۱۸
۲۸	پرسش ۱۹
۲۸	پرسش ۲۰
۲۹	پرسش ۲۱
۳۰	پرسش ۲۲
۳۰	پرسش ۲۳
۳۰	پرسش ۲۴
۳۰	پرسش ۲۵
۳۱	پرسش ۲۶
۳۳	پرسش ۲۷
۳۳	پرسش ۲۸
۳۳	پرسش ۲۹
۳۳	پرسش ۳۰
۳۴	پرسش ۳۱
۳۴	پرسش ۳۲
۳۴	پرسش ۳۳
۳۴	پرسش ۳۴
۳۵	پرسش ۳۵
۳۵	پرسش ۳۶
۳۶	پرسش ۳۷

فهرست

۳۷.....	پرسش ۳۸.....
۳۸.....	پرسش ۳۹.....
۳۸.....	پرسش ۴۰.....
۳۹.....	پرسش ۴۱.....
۳۹.....	پرسش ۴۲.....
۴۰.....	پرسش ۴۳.....
۴۰.....	پرسش ۴۴.....
۴۱.....	پرسش ۴۵.....
۴۱.....	پرسش ۴۶.....
۴۱.....	پرسش ۴۷.....
۴۱.....	پرسش ۴۸.....
۴۲.....	پرسش ۴۹.....
۴۲.....	پرسش ۵۰.....
۴۳.....	پرسش ۵۱.....
۴۴.....	پرسش ۵۲.....
۴۴.....	پرسش ۵۳.....
۴۴.....	پرسش ۵۴.....
۴۴.....	پرسش ۵۵.....
۴۵.....	پرسش ۵۶.....
۴۷.....	پرسش ۵۷.....
۴۷.....	پرسش ۵۸.....
۴۷.....	پرسش ۵۹.....
۴۸.....	پرسش ۶۰.....
۴۸.....	پرسش ۶۱.....
۴۹.....	پرسش ۶۲.....
۵۱.....	آوانویسی متن یازند.....

فهرست

Pursišn 1	57
Pursišn 2	71
Pursišn 3	72
Pursišn 4	73
Pursišn 5	74
Pursišn 6	75
Pursišn 7	77
Pursišn 8	80
Pursišn 9	81
Pursišn 10	82
Pursišn 11	83
Pursišn 12	85
Pursišn 13	87
Pursišn 14	88
Pursišn 15	91
Pursišn 16	96
Pursišn 17	97
Pursišn 18	98
Pursišn 19	99
Pursišn 20	100
Pursišn 21	103
Pursišn 22	104
Pursišn 24	106
Pursišn 25	107
Pursišn 26	108
Pursišn 27	113

فهرست

Pursišn 28	114
Pursišn 29	115
Pursišn 30	116
Pursišn 31	117
Pursišn 32	118
Pursišn 33	119
Pursišn 34	120
Pursišn 35	121
Pursišn 36	123
Pursišn 37	125
Pursišn 38	126
Pursišn 39	129
Pursišn 40	131
Pursišn 41	132
Pursišn 42	133
Pursišn 43	134
Pursišn 44	136
Pursišn 45	137
Pursišn 46	138
Pursišn 47	139
Pursišn 48	140
Pursišn 49	143
Pursišn 50	144
Pursišn 51	145
Pursišn 52	147
Pursišn 54	149

فهرست

Pursišn 55	150
Pursišn 56	151
Pursišn 57	156
Pursišn 58	157
Pursišn 59	158
Pursišn 60	159
Pursišn 61	160
Pursišn 62	163

پیوست‌ها:

۱۶۵	متن پازند تحریر آتشی
۲۲۹	متن پهلوی تحریر سنجانی
۳۱۹	برگردان فارسی مینو خرد اثر اردشیر شاهی
۴۱۷	کتابنامه

پازند

پس از قرن چهارم هجری که دوره میانه زبان‌های ایرانی به سرانجام خود رسید، خواندن و درک متون بازمانده پهلوی دشوار و در بعضی موارد ناممکن شد. در این میان باید به ویژگی‌های خاص خط پهلوی نیز اشاره کرد که آن را به اوج پیچیدگی و ابهام می‌رساند. "این ویژگی‌ها از یک سو و پایان حیات مهم‌ترین زبان دوره میانه از سوی دیگر، بعدها علت بروز عوارضی شدند که یکی از مهم‌ترین آنها ظهور نوعی نوشتار خاص بر اساس تلفظ واژه است." (عریان، ۱۳۹۲، جلد و سه)

در حقیقت بهترین راه حل این مشکل یافتن روشی بود که بدان طریق بتوان برای فرائد درست این متون نخست از شیوه‌ای آوانگار استفاده کرد و دیگر اینکه عده خاصی از مردم (طبقه زردشتیان) بتوانند از آن شیوه به سهولت بهره ببرند. در نتیجه ایرانیان زردشتی که به هندوستان مهاجرت کرده بودند و از میان آنان، موبدان و روحانیون زردشتی برای از میان برداشتن دشواری‌های موجود، این متون را به الفبای اوستایی که نظام نوشتاری آوانگار بود، به گونه سنتی آوانویسی کردند. متن‌های پهلوی را که با این شیوه آوانویسی و تحریر شدند، "پازند" می‌نامند.

در اشتقاق واژه پازند آمده است که این کلمه ترکیبی از پیشوند فعلی paiti و ریشه zan اوستایی و dan فارسی باستان به معنای دانستن و آگاهی یافتن است. نخستین بار نریوسنگ از پارسیان هند از این شیوه برای آوانویسی سنتی متون پهلوی استفاده کرده است ولی ظاهر آنرا بنابر اسناد موجود "یکی از رونویسی‌کنندگان متن پازند جاماسب نامه، این شیوه را پازند نامیده است." (آموزگار، ۱۳۵۵: ۱۹-۱۴) نریوسنگ در قرن ۵ و ۶ هجری (۱۱ و ۱۲ میلادی) پازند نویسی را آغاز کرد. چیزی که در برخی منابع به آن اشاره شده این است که نریوسنگ خود اصطلاح پازند را به کار نبرد و حتی نمی‌دانست که اقدام او بنیان چه شیوه‌ای را خواهد گذاشت "بلکه می‌نوشت که فلان اثر دشوار فارسی (=فارسی میانه)

را به خط اوستا برگردانیده است." (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۱۹) در متونی که نریوسنگ و اطرافیاناش پازند نویسی کردند می‌توان اشتباه در قرائت واژه‌های پهلوی و متعاقب آن آوانویسی نادرست به القبای اوستا را یافت و این وضعیتی است که تقریباً در تمام متون پازند می‌توان مشاهده کرد.

دلایل عمده بروز صورت‌های زبانی غیر متعارف در متون پازند را می‌توان به شرح زیر برشمرد: نخست این که اولین متن‌های پازند در جامعه پارسیان هند نوشته شده یعنی در جایی که پازند نویسی تحت تأثیر گویش‌های هندی قرار داشت.

دیگر این که کسانی که مبادرت به پازند نویسی کرده اند اغلب افرادی بودند که از یزد و کرمان رهسپار هند شدند و بنابراین گویش خودشان نیز در شکل‌گیری یک صورت نامتعارف دخیل بوده است. تفضلی به درستی به یکی از این نمونه‌ها اشاره کرده و می‌گوید: "در گویش قدیم کرمان «و»‌های آغازی فارسی میانه به صورت «گ» در آمده است. همین تحول را در بعضی از کلمات پازند نیز می‌یابیم (مانند guzurg: بزرگ)." (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۱۹)

سدیگر این که در بعضی موارد پازند نویس اصلاً نتوانسته واژه پهلوی را صحیح قرائت کند در نتیجه آن را بر پایه قرائت خود و البته اشتباه آوانویسی کرده است. چهارم قرائت یک واژه پهلوی بر پایه صورت پارسی نو است. و پنجم تأثیر پذیری کاتب از زبان اوستا است.

در مورد پازند آراء و نظریات مختلفی بیان شده است، که در زیر به اختصار به آنها می‌پردازیم:

۱. عده‌ای معتقدند که پازند، نوعی زبان است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را به عنوان یک روش نوشتاری مورد بررسی قرار داد. این عده در تبیین نظریه خود هیچ دلیلی ارائه نمی‌کنند. شاید بتوان علت این امر را عدم توجه به پازند و اصولاً پدیده زبان دانست. از میان کسانی که پیرو این نظریه هستند باید از هامر نام برد، وی در مقاله خود تحت عنوان "Essai sur la langue et la littérature Per-sane" صراحتاً و بدون ذکر هیچ دلیلی زند و پازند را زبان می‌داند به ویژه آنجا که می‌گوید: "زبان فارسی، چه امروزی و چه دیروزی را بایستی از زبان‌های مادی یا آریایی چون زند و پازند متمایز دانست." (هامر، ۱۸۳۳: ۲۰)

از میان دیگر کسانی که پازند را زبان می‌دانند باید به ویلیام وست اشاره کرد. او حتی از این هم فراتر رفته و در کتاب خود "The Book of the Mainyo-I-Xrad" دستور زبانی نیز برای پازند تدوین کرده است. وی معتقد است که پازند زبان رایج مردم ایران بین قرون پنج تا ده بعد از میلاد مسیح بوده و حتی آنرا فارسی میانی^۱ می‌نامد تا با فارسی نو که ترکیبی از فارسی و عربی است و نیز فارسی باستان - زبان کتیبه‌های شاهان هخامنشی که گویشی از زبان اوستا است - اشتباه نشود. (West, 1871: 230)

(۱) وست در بخشی از کتاب خود به نام A Sketch of Pazand Grammar برای این اصطلاح از معادل Mediaeval Persian بهره برده است.

۲. برخی پازند را تفسیری بر اوستا و زند می‌دانند که از آن جمله می‌توان به مسعودی اشاره کرد. او می‌گوید: "زردشت کتاب معروف ابستارا آورد که چون معرب شد کافی بدان افزوده ابستاق گفتند (التنبیه، ۱۸۹۴: ۸۶) و چون (مردم) از فهم کتاب عاجز ماندند، زردشت تفسیری بیاورد و تفسیر را زند نامیدند. آنگاه برای تفسیر نیز تفسیری بیاورد و آن را پازند نامید (مروج الذهب، ج ۱، ۱۹۶۵-۱۹۷۹: ۲۲۴) خوارزمی نیز ضمن اینکه زند را به مزدک نسبت می‌دهد و آن را تأویل اوستامی‌داند، می‌گوید: "و مزدک هم‌الذی ظهر فی ایام قباد و کان موبدان موبذ، ای قاضی القضاة للمجوس و زعم أن الأموال والحریم مشترکة و اظهر کتابا سماه زند و زعم أن فیہ تأویل الأیستا و هم کتاب المجوس..." (مفاتیح، ۱۸۹۵: ۳۷) عده‌ای دیگر به صراحت به زبان بودن پازند اشاره نمی‌کنند اما آن را نظامی‌سامانمند می‌دانند و معتقدند که در این نظام هر واژه پهلوی معمولاً یک معادل پازند دارد. یعنی پازند نویس در سراسر متن تنها از یک شکل برای نشان دادن یک واژه بهره برده است. (رک به تفضلی، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۱۸) در این خصوص باید گفت که علیرغم نظر فوق توجه به متون پازند به کرات نشان می‌دهند که نخست پازند نویس در یک متن و حتی در یک بند واحد صورت‌های نگارشی متفاوتی را برای یک واژه به کار برده است که از آن جمله می‌توان به صورت‌های xarda, xarda, xard, xart, xara و غیره تنها برای واژه xrad "خرد" اشاره کرد. (و برای موارد دیگر نک. مقدمه متن مینوی خرد آنتیا صفحه ۲۷۳ و ۲۷۴)

۱. پرسش اول صفحه ۲۷۹ از متن آنتیا سطر ۵: puršī

پرسش اول صفحه ۲۸۵ از متن آنتیا سطر ۱۸: puršī

۲. پرسش یازدهم صفحه ۲۹۲ از متن آنتیا سطر ۳: ēšat

پرسش یازدهم صفحه ۲۹۲ از متن آنتیا سطر ۴: ēštā

پرسش یازدهم صفحه ۲۹۲ از متن آنتیا سطر ۷: ēštə

پرسش یازدهم صفحه ۲۹۲ از متن آنتیا سطر ۱۰: estə

۳. پرسش بیستم صفحه ۳۰۰ از متن آنتیا سطر ۷: asagahan

پرسش بیستم صفحه ۳۰۱ از متن آنتیا سطر ۷: ašagāhan

پرسش بیستم صفحه ۳۰۰ از متن آنتیا سطر ۹: ašgāhan

دیگر اینکه وقتی به این امر معتقد شویم که پازند نویس پیوسته یک صورت نگارشی را برای یک واژه پهلوی به کار برده است به طریق اولی پذیرفته‌ایم که کاتب پازند پیوسته از یک واژه پهلوی تنها یک قرائت داشته است، در حالی که توجه به واژه‌نامه‌های موجود پهلوی - پازند به کلی پذیرش این نظر را غیر ممکن می‌سازد.

سوم اینکه پذیرفتن پازند به عنوان یک زبان یعنی پذیرفتن زبانی مستقل و بدون نسبت وابستگی با

زبانی دیگر همانند اوستا به فارسی باستان و نسبت پهلوی به پارتی و نسبت هر زبان باستانی، میانه و نو با زبانی دیگر. در حالی که هرگز در منبعی این امر نه مطرح شده و نه مورد تأکید قرار گرفته است که پازند به پهلوی وابسته نیست.

به عبارت دیگر باید گفت که پازند تنها یک شیوه آوانویسی سنتی است که با توجه به دشواری‌های موجود در خط پهلوی امکان چندگانه خوانی واژه در آن بسیار است. آوانویسی سنتی عبارت است از بهره‌گیری از یک سیستم نوشتاری رایج یا هرگونه وسیله و روش شناخته شده دیگر برای آوانگاری و تلفظ درست و آسان متون و واژه‌های یک زبان.

در مجموع برای پذیرفتن پازند به عنوان یک زبان باید به توان عوامل ساختاری سه گانه زبان یعنی صرف، نحو و نظام آوایی رادر آن به وضوح مورد بررسی قرار داد. متون پازند از روی متون پهلوی نوشته شده‌اند، به عبارت دیگر هیچ متن پازندی نیست که مستقلاً و بدون وابستگی با یک متن پهلوی وجود داشته باشد و از آنجا که پازند تنها برای رفع مشکل قرائت متون مکتوب و بازمانده پهلوی ابداع شده است در نتیجه نمی‌توان برای آن نظام صرفی و نحوی و آوایی مستقلی قائل شد.

پیشینه آوانویسی سنتی و پازند نویسی در ایران

آوانویسی و نشان دادن تلفظ درست واژه و نیز پازند نویسی در ایران پیشینه‌ای دیرینه دارد، در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در دوره ای، از الفبای عبری برای آوانویسی متون استفاده می‌شد این امر بیشتر از سوی یهودیان پارسی زبان صورت گرفته است. برای نمونه می‌توان به آثار شهاب یزدی اشاره کرد. وی آثار پارسی خود را با الفبای عبری می‌نگاشته است از آن جمله یکی از اشعار او در مدح و ستایش خداست (عریان، ۱۳۶۶: ۷۷۶) از این شیوه در خارج از ایران نیز در سطحی گسترده استفاده شده است. (نک. Acta Iranica, V. 14, pp. 191-206 و عریان ۱۳۸۲)

۲. بهره‌گیری از نشانه‌های نوشتاری اوستا به گونه‌ای گسترده برای آوانویسی هزوارش‌ها و واژه‌های پهلوی در فرهنگ پهلوی تألیف شده در قرن چهارم هجری (نک. عریان ۱۳۹۲) در این خصوص باید توجه داشت که بهره‌گیری از نظام نوشتاری اوستا برای آوانویسی متون پهلوی پس از نریوسنگ و کاتبان پس از او به پازند نامزد شد.

۳. استفاده از واکه‌های اوستایی برای آوانویسی واژه‌های زبان فارسی. مدیدع این کار سید محمد علی داعی الاسلام بود. او این شیوه رادر کتاب خود فرهنگ نظام به نام نظام دکن که در پنج مجلد نوشته شده، به اجرا درآورد. (داعی الاسلام، ۱۳۰۵)

۴. روش دیگر استفاده از واژه‌های هم وزن برای سهولت در قرائت بود که بالطبع واژه‌های مورد نظر،

کلماتی شناخته شده بودند تا مشکلی بر مشکلات قرائت افزوده نشود. استفاده از این شیوه در بسیاری از فرهنگ‌ها رایج بوده است.

۵. مورد دیگر استفاده از اعراب گذاری است. در این روش نیز کار خواندن واژه در مجموع ساده‌تر از پیش می‌شد و مشکل برخی از واژه‌ها که می‌شد آن‌ها را به چند روش قرائت کرد حل می‌شد.

مینوی خرد و نسخه‌های مختلف آن

اساس کار این کتاب، بررسی متن پازند مینوی خرد است. این متن از مجموعه متون پازند آنتیا انتخاب شده که از صفحه ۲۷۳ تا ۳۳۶ این مجموعه را به خود اختصاص داده است. آنتیا مجموعه خود را در سال ۱۹۰۹ به چاپ رساند. وی در این مجموعه متون پازند بسیاری را گردآوری کرده است. او خود در مقدمه کتاب چنین می‌نویسد: "این کتاب شامل تمام متون پازندی است که هم اکنون موجود می‌باشند، به استثنای پازند شکند گمانیگ و زار و جاماسپی که قبلاً در کتابی مجزا به چاپ رسیده اند." (Antia, 1909: 5)

او در جایی دیگر در مورد نحوه پازند نویسی متن مینوی خرد می‌گوید: "برای مینوی خرد به عنوان متن، از نسخه خطی که متعلق به ارواد مانکجی رستمجی انوالا بود استفاده کردم. قدمت این متن به ۳۰۰ سال پیش می‌رسید." (Antia, 1909: 6)

با توجه به سال انتشار این مجموعه یعنی ۱۹۰۹، پیشینه متن پهلوی مینوی خرد مورد استفاده آنتیا به سال ۱۵۵۶ میلادی می‌رسد. این در حالی است که نسخه پهلوی مینوی خرد سنجانا متعلق به سال ۱۹۹۹ و بخش نخست کهن‌ترین نسخه پهلوی مینوی خرد یعنی دستنوشته K43 در سال ۱۹۸۷، بخش دوم آن در سال ۱۹۸۹ و بخش سوم آن در سال ۱۹۹۶ تحریر شده است. اگرچه نسخه مادر این متن در سال ۱۰۲۰ یعنی ۱۵۰ سال پس از تحریر متن آغازین به کتابت درآمده ولی با توجه به اینکه تنها متن بازمانده از آن در مجموعه K43 متعلق به ۱۵۸۷ تا ۱۵۹۶ است، بنابراین متن اساس نسخه پازند آنتیا را باید کهن‌ترین متنی دانست که مورد پازند نویسی قرار گرفته است و از این روی نگارنده نسخه مذکور را اساس بررسی و پژوهش قرار داده است.

آنتیا در مقدمه خود می‌افزاید که این متن با نسخ خطی زیر مقابله و تطبیق داده شده است:

۱. یک نسخه خطی جدید در کتابخانه ملا فیروزه که از آن تحت عنوان نسخه M.F نام برده شده است. این نسخه نیز به دست نگارنده (= آنتیا) روی یک نسخه قدیمی نوشته شده است.
 ۲. نسخه خطی دیگری که متعلق به ارواد مانکجی رستمجی انوالا بود، من این نسخه را M.U می‌نامم که در آن هیچ مشخصاتی از کتاب و کاتب آن نیامده است." (Antia, 1909: 7)
- در خصوص متن پازند مینوی خرد که اساس این پژوهش قرار گرفته باید به موارد زیر اشاره کرد:

نخست اینکه یازند نویس ظاهراً تسلط فوق العاده‌ای به زبان پهلوی داشته است چنان که جز در مواردی معدود و اندک قرائت اشتباه دیده نمی‌شود.

مورد دیگر اینکه او از سنت یازند نویسی مرسوم در هند استفاده نکرده است. در سنت یازند نویسی رایج در هند یازند نویسان برای پرهیز از قرائت یک واژه به صورت‌های مختلف، معروف‌ترین و یا شناخته‌شده‌ترین قرائت یعنی قرائت اشهر را برای آوانویسی انتخاب می‌کردند. این شیوه هم آوانویسی هزوارش‌ها و هم آوانویسی واژه‌های پهلوی را در بر می‌گرفت. به عنوان مثال واژه xwadāy را که هزوارش آن به صورت MRWH نوشته می‌شد، در سراسر متن mōnā قرائت می‌کردند. (نک. عریان، ۱۳۷۷)

در پژوهش حاضر متن یازند مینوی خرد با تحریر پهلوی سنجانا مقایسه شده است. این متن را داراب دستور پشوتن سنجانا به گونه‌ای انتقادی در ۸۸ صفحه تحریر کرده و تحت عنوان "THE DĪNĀĪ MAINŪĪ KHRAT" به چاپ رسانده است.

او خود برای این تحریر انتقادی از کتاب‌های زیر بهره برده است:

- *Die Traditionelle Literature der Parsen*, by F. Spiegel (Wien, 1860)
- *Sitzungsberichte der Akademie der Wissenschaften in Wien*, Band, CXXV, by F. Müller (Wien, 1882)
- *The Mainyo-i-Khrat*, a Facsimile of the late Prof. Westergaard's Ms. K43, by E. W. West (Stuttgart, 1871).
- *The Sacred Books of the East*, Vol. XXIV., by E. W. West.

مقایسه متن یازند مورد پژوهش و متن پهلوی مجموعه نشان می‌دهد که متن پهلوی انوالا تقریباً ۹۵٪ با متن K43 مطابقت دارد. البته با این تفاوت که در متن K43 از بند ۱ تا ۲۸ مقدمه افتاده است. نسخه دیگری که در این پژوهش مورد مقایسه قرار گرفته متن پهلوی، یازند، سنسکریت "DĀNĀK-U MAINYŌ-I KHRAT" است. این متن را ارواد تهمورث دینشاه انکلساریا در سال ۱۹۱۳ در بمبئی به چاپ رسانده است.

در زمان انجام این پژوهش دو ترجمه فارسی نیز از متن مینوی خرد در دسترس بود که در موارد لزوم از هر دوی آنها استفاده شد. برای اطلاع دقیق‌تر نگاه کنید به پیشینه تحقیق.

متن مینوی خرد یا احکام و آراء روح عقل یکی از زیباترین متون پهلوی است. این متن شامل یک مقدمه و ۱۲ پرسشی است که شخصیتی نمادین به نام دانا از مینوی خرد می‌پرسد. این متن به اعتبار شیوه بیان متن مناظره‌ای است. در این روش که یکی از روش‌های کهن حکمی است طرفین مناظره در مورد موضوع مورد بحث به یقین می‌رسند و برای خواننده نیز جای سؤالی باقی نمی‌ماند. این روش در

فلسفه، عرفان و کلام پیشینه‌ای بس دیرینه دارد.

تفضلی به اعتبار مطالبی که در کتاب مینوی خرد ذکر شده، آن را جز متون اندرزی به حساب آورده است. (تفضلی، ۱۳۸۳: ۱۹۸-۱۹۷) این در حالی است که در این اثر به موضوعات گوناگونی پرداخته که از آن جمله باید به مسائل اساطیری، جغرافیای اساطیری اوستا، مسائل اخلاقی، فقهی، عرفانی، کیهان شناسی (آسمان و زمین و آب، ستارگان، کوه‌ها و دریاها) اشاره کرد و دقیقاً همین ویژگی‌هاست که جایگاه این متن را تنها در متون اندرزی سست می‌کند.

در مورد شیوه پژوهش و نگارش این اثر، ذکر موارد زیر ضروری می‌نماید:

۱. روش آوانویسی متن در این پژوهش بر اساس شیوه دیوید نیل مکنزی در کتاب Concise Pahlavi Dictionary است. با این تفاوت که:

در آوانویسی متن حاضر به جای آبرابر کسره اضافه، از استفاده شده است برای توضیح این مسئله باید گفت که این حرف اضافه یا حرف ربط در فارسی باستان hya و در اوستا ya است. صورت تحول یافته هیچ یک از آنها در دوره میانه آنیست به عبارت دیگر هیچ یک از دو صورت فارسی باستان و اوستا به واکه مرکب ē یا واکه ساده آوانویسی میانه منتج نمی‌شود.

لازم به ذکر است که بار تولومنه فرهنگ ایرانی باستان (Bartholomae, 1979:1227)، نوبرگ در راهنمای زبان پهلوی (Nyberg, 1974: 105-106)، وست (West, 1871: 110) و بیلی (Bailey, 1981: 100, 103, 112) در آثار خود همه جا نشانه ابرای آوانویسی کسره اضافه / حرف ربط استفاده کرده‌اند. راستار گویوا در کتاب "دستور زبان فارسی میانه" خود بحثی پیرامون این واحد زبانی مطرح و آن را با آوانویسی کرده است. (راستار گویوا، ۱۳۴۷: ۱۱۱-۱۱۲). در تنها فرهنگ پهلوی -فارسی که شادروان دکتر بهرام فره‌وشی آن را در سال ۱۳۶۹ تدوین کرده، نشانه مورد استفاده قرار گرفته (فره‌وشی، ۱۳۸۶: ۲۹۷) و از همه مهم‌تر این که در متون پازند نیز به کار رفته است. علاوه بر موارد فوق نک. De Menace 1945; Haug 1978, p. 253; Nyberg 1988, XIV.

۲. استفاده از ā به جای ē و u به جای o. این شیوه آوانویسی نخستین بار در پایان نامه دکترتاری دکتر سعید عریان تحت عنوان "واژه نامه پهلوی - پازند" (عریان، ۱۳۷۱) و بار دوم در جلد دوم کتاب "راهنمای زبان‌های باستانی ایران" آنجا که بحث از آواشناسی ایرانی میانه غربی مطرح شده مورد استفاده قرار گرفته است. (ابوالقاسمی، ۱۳۷۶: ۴۷)

۳. استفاده از ku به جای kō توضیح این که:

الف) بار تولومه ضمن اینکه صورت اوستایی و ساده این ضمیر موصولی استفهامی را

kū و صورت ترکیبی آن را kuša می‌دهد، صورت پهلوی هر دو را به شکل ku می‌آورد (Bartholomae, 1979: 472-473)، آبرامیان (Abramian, 1963: 13)، بیلی (Baily, 1981)، فره‌وشی (فره‌وشی، ۱۳۵۲: ۲۷۲) و برخی دیگر نیز این واحد زبانی را به صورت ku آورده‌اند. (ب) در تمام متون یازند که بدون تردید بر پایه متون پهلوی شکل گرفته‌اند، این ضمیر موصولی - استفهامی به صورت ku تحریر شده است.

(ج) صورت امروزی این ضمیر در زبان فارسی نو در واژه کجا kja, ku, ku است و نه kū. ظاهر آیه نظر می‌رسد که صورت دو ضمیر پرسشی kū در بیان ناآگاهی از جای چیزی یا کسی و ضمیر موصولی ku در برابر "که" در متون پهلوی خلط کاربرد یافته‌اند.

۴. معمولاً پژوهش روی متونی از این دست نیاز به تدوین واژه‌نامه دارد. اما این امر به دو دلیل در کنار این پژوهش صورت نپذیرفت. نخست اینکه برای متن مینوی خرد واژه‌نامه‌های متعددی تدوین شده که برای نمونه می‌توان به کارزن، وست و تفضلی اشاره کرد. (برای آگاهی دقیق‌تر نگاه کنید به فهرست منابع). دیگر اینکه هدف از این پژوهش نه تدوین واژه‌نامه که مقایسه بین تحریر یازند و تحریر پهلوی متن بوده است. مضافاً این که در مورد لزوم در مورد قرائت و ترجمه مربوطه توضیح لازم داده شده است.

۵. در سمت چپ آوانویسی متن، اعدادی دیده می‌شود عدد سه رقمی شماره صفحات متن یازند آنتیا است و عدد بعدی که از یک شروع می‌شود، شماره صفحه متن پهلوی سنجانا می‌باشد. در میان متن آوانویسی نیز اعدادی داخل پرانتز نوشته شده‌اند که شماره سطرهای متن یازند را نشان می‌دهند. این شماره‌ها کار بررسی، مقایسه و پیگیری متن را آسان‌تر می‌کند. در ترجمه فارسی نیز شماره‌هایی درج شده‌اند که همان شماره سطرها و صفحات متن آنتیا می‌باشند.

۶. متن یازند به خودی خود حالتی از آوانویسی است که گویش‌های خاص کاتب در زمان کتابت در آن تأثیر داشته است. لذا ترجیح دادیم تا آن را به پهلوی آوانویسی کنیم، به همین دلیل متن یازند آنتیا در انتهای کار آمده و از آنجا که متن یازند با متن پهلوی سنجانا مقایسه شده آن متن نیز پس از متن آنتیا قرار گرفته شده است.

۷. علامت دایره (O) که در برخی از صفحات تحریر یازند آنتیا مشاهده می‌شود، نشانه‌ای است که به تبع متون اوستایی و برای نشان دادن تکرار آمده است. یعنی از آنجا که کاتب اثر قصد تکرار سطر یا بندی را نداشته، در نتیجه از این علامت استفاده کرده است. نگارنده برای سهولت کار خوانندگان علامت فوق را در نظر نگرفته و تکرار را انجام داده است.